



فضای زیست

بطوریکه در عمل به ثبوت رسیده است، ادامه زندگی انسان و دیگر جانداران بی وجود فضای کافی، برای رشد و زیست، امکان پذیر نیست و این فضا هر قدر وسیع تر باشد نتیجه ای بهتر در بهبود زیست میدهد.

دکتر «هال» دانشمند انسان شناس امریکائی اخیراً در کتابی که به عنوان «بعدمخفی» نوشته راجع به تأثیر نیروی نامرئی «ازدحام» در زیست جانداران بحث نموده و چنین نتیجه گرفته است که بیشتر خلافاکاریها و جنایات و تعدیها و انحرافهای جنسی و انتشار فساد میان افراد بشر ناشی از اثرات «نیروی نامرئی» ازدحام است. افزایش روزافزون استعمال مواد مخدر، فشار اعصاب، فریبی، فشار خون، زخم دستگاه گوارش، تصلب شرائین، سرماخوردگیهای مزمن، تنگی نفس و حتی بعضی از اقسام سرطان، همه این عوارض و مانند آنها، از منبع همین نیروی نامرئی ازدحام که جامعه بشری را فرا گرفته است سرچشمه می گیرد.

دانشمندان زیست شناس برای پی بردن به میزان تأثیرات ازدحام در انسان نخست خواسته های حیوانات را در محل زیست آنها بررسی نموده اند.

بیشتر حیوانات زمینی و ماهیان دریا و سائیل زیست فضائی خود را بقسمی ترتیب داده اند که خواسته های آنها را از رشد طبیعی و ادامه زیست بطور رضایت بخشی و دفاع از آن تأمین مینماید.

* آقای ابوالفضل طباطبائی از نویسندگان و ترجمانان دانشمند کشور

حیوانات برای فراهم بودن موجبات سکونت، تغذیه، آرامش و امنیت جفت‌ها و نسل‌ها، مناطقی مناسب انتخاب می‌کنند که از حیث موقعیت نمودار برجسته‌ای از وضع اجتماعی آنهاست.

بنظر دکتر «هال» میان محیط زیست انسان و حوزه سلطنت حیوان فاصله زیادی موجود نیست و شباهت بسیاری با یکدیگر دارند و نیروی نامرئی ازدحام و تنگی فضا همانگونه اثر در حیوانات می‌گذارد که در انسان مشاهده می‌کنیم.

یک دانشمند طبیعی‌دان بنام «جان کالهن» برای پی‌بردن به نتایج شوم ازدحام در حیوانات، مدت سه‌سال طرز زندگی موشان را در یک کاهدان و طولیله‌ای دارای چند آغل بررسی نمود. در آن مکان توده‌ای از موشان زندگی می‌کردند. وی از سقف انبار بوسیله پنجره شیشه‌داری آنها را زیر نظر گرفت و به این نتیجه رسید که وضع اجتماعی آنها درست به‌زندگی ما در شهرهای بزرگ و پرجمعیت شباهت دارد.

موشان معمولاً زندگانی اجتماعی ثابت و منظم دارند و حقوق مالکیت، عشق‌ورزی، تولد و تناسل و سایر شرایط زیست رامیان خود رعایت می‌کنند. اما در آغل‌های مزبور همه این قواعد زیر فشار ازدحام و محدود بودن فضای زیست از میان رفته بود. موش‌های ماده توانائی نگاهداری و پرورش بچه موش‌ها را از دست داده بودند و اینها پس از بدنیآ آمدن سرگردان مانده و بعد از اندکی تلف می‌شدند. دسته‌های موش‌های نر و پرزور، برخلاف اصول و روش زیست، به‌نقتهای ویژه‌دیگر موش‌ها هجوم می‌بردند و آنها را لگدمال می‌کردند. در روابط جنسی میان نر و ماده تفاوتی نمی‌گذاشتند، موش‌های نر ناتوان با آرامش و بدون اراده تسلیم آنها می‌شدند و یارای مقاومت در برابر حملات موش‌های نیرومند را نداشتند. گوئی این‌دسته دچار ناراحتی روانی شده بودند. در میان موش‌های ماده هم سقط جنین شیوع یافته بود و بواسطه بی‌نظمی زهدان و رحم تلفات زیادی داشتند. کالبد شکافی آنها نشان می‌داد که در کلید و غده‌های کلیوی و قلب هر دو جنس نر و ماده ضایعات زیادی تولید شده و آنها را بیمار نموده است.

بسیاری از آزمایش‌های دیگر نشان داده است که فضای زیست برای موجودات زنده مانند سایر مواد حیاتی از قبیل خواربار و آب و اکسیژن، از عوامل ضروری زیستن می‌باشد.

بطوریکه در عمل مشاهده شده است تراکم جمعیت و محرومیت از فضای کافی انسان را دچار ناراحتی‌های عصبی و روحی می‌کند و موجب رفتار غیرعادی جنسی و گسیختگی رشته خانوادگی می‌گردد.

واخلاق اجتماعی را که پایه تعادل زندگی جامعه است دگرگون می‌سازد.

دکتر «هال» معتقد است که فشار جمعیت در شهرها مردم را بیش از اثرات انفجار بمب‌نیدر و زنی در گرداب مرگ باران حطاط فرو می‌برد. هر گاه مشکلات زندگی در آلونک‌ها و زاغه‌های فقیرنشین حل نگردد، فشار جمعیت در شهرها محیط زیست را تنگ‌تر و موجبات سکونت را سخت‌تر می‌سازد تا جایی که مراکز مزبور بهیچوجه قابل زیستن نخواهد بود. بطوریکه در زندگی حیوانات اجتماعی مشاهده شده است ورود تعداد زیادی بیگانه از نوع هر گروه بطور ناخوانده به فضای زیست آن گروه، افراد آن را دستخوش تحریکات روانی می‌سازد و زندگی آنها را به خطر می‌اندازد.

تراکم جمعیت از ترشح غده‌های کلیوی، که بعضی «هورمون‌ها» را برای آماده ساختن نیروی احتیاط در خون تجهیز می‌کند، جلوگیری می‌نماید. این غده‌ها می‌توانند شخص را در برابر پیش آمدهای اضطراری از مرگ نجات دهد، ولی در صورت بروز اینگونه حوادث، در اثر تراکم و ازدحام پیوسته و نامحدود جمعیت، وضع شیمیائی بدن دگرگون شده ممکن است غده‌ها را از ترشح هورمون‌ها بازدارد و موجب مرگ شخص گردد.

دکتر «جان کریستیان» طبیعی‌دان وضع زندگی پنج گورن نوع «سیکار» را که در سال ۱۹۱۶ در جزیره جیمس در خلیج مکزیک رها شده بودند زیر نظر گرفت. تعداد این حیوان در سال ۱۹۵۵ در نتیجه فقدان عوامل طبیعی شکار و جانوران گوشتخوار و فراوانی علوفه به ۳۰۰ عدد رسید. در اثر همین ازدحام بیش از نصف گوزن‌ها تا سال ۱۹۵۸ تلف شدند و پس از کالبدشکافی معلوم گردید عضلات آنها از پوست نرمی پوشیده شده و پیه فراوانی بدنشان را فرا گرفته و غده‌های کلیوی آنها در حدود ۵۰ درصد نسبت به غده‌های معمولی بزرگتر شده بود و در نتیجه و اماندگی این غده‌ها تلف شده بودند.

تراکم جمعیت شهرها در مردم نیز، مانند حیوانات، همین گونه اثر می‌گذارد و جمع انباشته و فشرده مردم در نقاط پر ازدحام حالت انفجار روحی و عصبی در آنها تولید می‌کند و بدن‌بال خود بر تعداد بیماران روانی و عوارض مختلف و همچنین جرم و جنایات و اعمال خلاف و فساد آمیز می‌افزاید، همچنانکه نمونه آن را امروز در تهران خودمان مشاهده می‌کنیم.

تراکم و سائط نقلیه و ازدحام مردم در اتوبوس‌ها و مراکز اجتماعات عمومی و شتابزدگی اشخاص برای رسیدن بمقصد تماس و تصادم آنها را با یکدیگر بیشتر ساخته و چون فضای کافی

برای نقل و انتقال خود نمی‌یابند اعصاب آنها تحریک شده به‌دشنام گوئی و نزاع می‌پردازند و چه‌بسا حوادث شوم و ناگواری روی می‌دهد که پایه زندگی خانواده‌ها را متزلزل و نظام اجتماعی را دستخوش بی‌نظمی و آشفتگی می‌سازد .

رانندگان کوشش می‌کنند زودتر بمقصد برسند و باین منظور با سرعت غیرعادی راه و بیراه را می‌پیمایند و با مردم بی‌گناه یا سائط نقلیه دیگر تصادم می‌کنند و تلفات جانی و مالی بیار می‌آورند، ما نظیر این وضع ناگوار را همه‌روز پیش چشم خود می‌بینیم و اخبار وحشت‌بار و شومی از تصادمات و تلفات می‌شنویم. اینگونه پیش‌آمدها موجب تحریک اعصاب و ناراحتی‌های روانی افراد می‌گردد .

یکی از عوامل تحریک اعصاب برای انسان، حضور ناگهانی اشخاص نزد او می‌باشد و چون جمع زیادی یکجا و درهم و برهم به‌مکانی هجوم بیاورند بی‌شک عده‌ای دچار ناراحتی اعصاب شده از رو برودن با جمع ناخوانده تازمه‌وارد عاجز می‌مانند . انسان در برابر ازدحام جمعیت طبعاً احساس خفقان می‌کند و می‌خواهد هرچه زودتر خود را از تأثیر این تراکم رهائی دهد و کمتر دستخوش تحریک اعصاب واقع شود . برای این منظور بیشتر به‌داروهای مخدر اعصاب توسل می‌جوید . رواج مواد مخدر در جهان امروزی و شیوع استعمال آن، بخصوص در کشورهای متمدن غرب، از نتایج شوم و عوامل تحریک‌کننده اعصاب از جمله فشار « نیروی نامرئی ازدحام » است که متأسفانه گریبانگیر جامعه بشری شده است .

دکتر « دوکیادیس » معمار شهرسازی معتقد است برای مقابله با افزایش جمعیت و گروه‌های فشرده مردم در شهرها باید شرایطی برای زندگی بشر در چهارچوب شهرهای غیر مسکون ایجاد شود تا فشار جمعیت در شهرهای بزرگ کاهش یابد .

دکتر « هال » می‌گوید هر فرد را فضای ادغام شده و درهم‌پیچیده‌ای احاطه نموده که شامل کشتی محیط آزمایشی حواس (لمس و بوئیدن و دیدن و شنیدن) می‌باشد و فضای مزبور عبارت از همان هوایی است که برای تنفس ما بکار می‌رود و ما را نگاه می‌دارد و با جهان خارج مربوط می‌سازد . هر قدر این محیط حیاتی بیشتر در فشار تأثیرات خارجی از جمله فشردگی و آلودگی قرار بگیرد زندگی ما بیشتر دچار آشفتگی می‌گردد و در معرض خطر می‌افتد . باید توجه داشت که هر نوع ازدحام و انبوهی جمعیت موجب کمبود فضا نمی‌شود بلکه نواقص مزبور بر اثر سوءاستفاده از فضا تولید می‌گردد . برای رفع این نواقص و تأمین فضای کافی زیست باید در درجه اول برای خانواده‌های طبقه متوسط و پائین که بناچار در

خانه‌های محقر و اطاقهای اجاره‌ای بطور انباشته بسر می‌بردند، کویهای متعدد و خانه‌های بهداشتی احداث شود، زیرا این طبقات که اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند بیشتر از مردم طبقه مرفه، بواسطه تنگنای مسکن، بایکدیگر در تماس و تصادم می‌باشند و برای استفاده از موجبات مشترك زیست غالباً در نزاع و کشمکش بسر می‌برند و بسیار دیده شده است که این تماس‌های ناراحت کننده اعصاب آنها را تحريك نموده به ارتکاب جنایات منتهی گردیده است.

عامل دیگر برای بهبود زیست، اصلاح وضع رفت و آمد (ترافیک) و محدود کردن رفت و آمد و سائط نقلیه در مراکز شهرها می‌باشد تا در حدود امکان فضای زیست مورد استفاده و سائیل مزبور واقع نشود و نیز از دود و دم آنها آلوده نگردد.

در بیشتر کشورهای غرب، اکنون رفت و آمد و سائیل موتوری در شهرها بسیار محدود شده و برای رفت و آمد آزاد و گردش مردم فضای کافی در پیاده‌روها فراهم شده است.

عامل سوم برای تأمین و بهبود فضای زیست، ایجاد تسهیلات بیشتر در ورود و خروج اشخاص در شهرها است. خیابانهای وسیع، میدانهای بزرگ باچمن و گلکاری و باغ (پارک)های متعدد موجبات تفریح و رفت و آمد مردم را بهتر فراهم می‌سازد.

عامل چهارم تهیه بیشترین موجبات تماس با فضای آزاد و استفاده از روشنائی در ساختمانهاست. بررسی‌های اخیر در طرز ساختمانها نشان داده است که مهندسان ساختمان، با حساب الکترونیکی در بنای اطاقهای بی‌پنجره و سقف‌های کوتاه و فضای تنگ و باریک دچار اشتباه شده‌اند. اکنون معماران سعی دارند هرچه بیشتر فضای مورد نیاز زیست در داخل ساختمانها متناسب با وضع زندگی خانواده‌ها در نظر گرفته شود و سائیل تهویه و روشنائی طبیعی و پنجره‌های متعدد برای استفاده از هوای آزاد فراهم گردد.

پایان جامع علوم انسانی